

نقد و بررسی ماجرای کشف رأس مخدرات در مقتل شیخ صدوق از منظر علامه سنقری حائری

دکتر محمد فراهانی^۱

دکتر حسین محمدی فام^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

چکیده

علامه سنقری در کتاب *العاصمیه* دو روایت از منقولات شیخ صدوق پیرامون چهره‌گشایی از حرم امام حسین علیه السلام را ذکر و مورد بررسی متنی و سندی قرار داده است. در این پژوهش، پس از بررسی سندی روایات مشتمل بر کشف رأس بنات رسول الله صلی الله علیه و آله، ادله عقلی این دسته از روایات، نقادی گردیده سپس معنای لغوی لوازم حجاب و معنای مجازی و کنایی تعابیر مربوط به کشف شعر و وجه اهل حرم امام حسین علیه السلام، مورد کند و کاش قرار گرفته است که در نتیجه آن با بررسی سندی این روایات، ضعف سندی آنها آشکار و در بررسی متنی آنها بر مبنای ادله عقلی دانسته می‌شود که کشف شعور بنات الرسول صلی الله علیه و آله محال و با غیرت و حکمت الهی و همچنین عصمت حضرت زینب کبری علیه السلام

۱. استادیار گروه معارف دانشکده شهید مطهری بسیج (نویسنده مسئول). Yasekabood.org@gmail.com

۲. دکتری مذاهب کلامی دانشگاه ادیان و مذاهب. Hosseinfam110@gmail.com

تعارض دارد. در نتیجه، به جهت ضعف سندی روایات مورد استناد شیخ صدوق در کشف رأس مخدرات و تعارض آن دو با غیرت و حکمت الهی، نظریه علامه سنقری حائری، مبنی بر عدم امکان کشف رأس بنات الرسول ﷺ، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: العاصمیه، علامه سنقری، عاشورا، کربلا، کشف حجاب.

۱. مقدمه

در مرویات و احادیث، احیای شعائر الهی، علی‌الخصوص اقامه مجالس ذکر حضرت سیدالشهداء ﷺ مورد تأکید خاص اهل بیت ﷺ قرار گرفته و در کلام معصومین ﷺ مکرر نسبت به ثواب و برکات آن اشاره شده است. گزارش‌های متعددی از ذکر مصیبت امام حسین ﷺ توسط پیامبر اکرم ﷺ (خوارزمی، ۱۳۸۱: ۱/۲۳۹)، امیرالمؤمنین ﷺ (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۵۹۷-۵۹۸)، حضرت زهرا ﷺ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۶۳)، امام حسن ﷺ (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۱۵-۱۱۶)، امام سجاد ﷺ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۷)، امام باقر ﷺ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۴)، امام صادق ﷺ (کشی، ۱۳۴۸: ۲۸۹)، امام کاظم ﷺ (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۲۸)، امام رضا ﷺ (همان، ۱۲۹-۱۳۰)، امام عسکری ﷺ (طوسی، ۱۴۱۱: ۲، ۸۲۶) و امام زمان ﷺ (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ۵۰۴-۵۰۵)، ثبت و ضبط گردیده و به دست ما رسیده است.

افزون بر بهره‌های اخروی که بر ذکر مصائب و بکاء بر حضرت اباعبدالله الحسین ﷺ مترتب است، فواید دنیوی و ملموس زیادی در زندگی مادی انسان‌ها از این توسلات تجربه شده است که شیاطین جنی و انسی را بر آن داشته تا تمام اهتمام خود را به خدشه دار کردن این ساحت مقدس مصروف دارند و علاقه‌مندان اهل بیت ﷺ را از برکات بی‌مانند این عبادت مبارک، محروم سازند. به نظر می‌رسد یکی از اقدامات در این عرصه اشاعه و پرداختن به روایت‌های تاریخی شاذ و نادری است که با شئون اهل بیت ﷺ سنخیت ندارد. از جمله این اخبار، کشف رأس زنان کاروان حسینی بعد از غارت خیام و در دوران اسارت است که از ساحت مقدس آل الله ﷺ به دور است.

پس از شیوع اخبار دال بر کشف حجاب از مخدرات حرم آل الله در منابر، مجالس و مراثی که دستاویز مغرضان و معاندان برای شبهه افکندن در اصول و عقاید مومنین به مکتب اهل بیت علیهم السلام قرار گرفت آیت الله شیخ محمد علی سنقری حائری^۱ به جهت ادای وظیفه علمی و دینی، کتابی را با نام *العاصمیه* در رد ادعای کشف رأس مخدرات آل الله علیهم السلام به تحریر درآورد (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۳۹-۴۰) و در آن به اثبات عصمت خاندان رسالت و رفع شبهات در کشف رأس حرم امام حسین علیه السلام پرداخت. این کتاب به زبان عربی مرقوم و سپس توسط مولف ترجمه شد که نسخه خطی آن توسط روح الله عباسی با نام *چهره گشایی دختران امام حسین علیه السلام* در سال ۱۳۸۱ ش به چاپ رسید. در این مقاله قصد بر آن است نقل هایی که در مقتل شیخ صدوق پیرامون کشف رأس مخدرات حرم امام حسین علیه السلام آمده، با بررسی سندی و متنی مورد نقد و تحلیل قرار گیرد.

۲. معرفی مقتل شیخ صدوق

ابن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق متوفای سال ۳۸۱ ق، از عالمان و دانشوران بی بدیل شیعه و دارای ۲۵۰ عنوان تألیف بوده که از بین آنها چهارده اثر به دست ما رسیده است (ابن بابویه و صحتی، ۱۳۸۴: ۲۷). شیخ صدوق در کتاب *من لا یحضره الفقیه*^۲ و *الخصال*^۳، به کتابی از خود با عنوان *مقتل الحسین علیه السلام* اشاره کرده که مفقود گردیده است و

۱. آیت الله شیخ محمد علی سنقری حائری متولد کربلای معلی در هفتم جمادی الاولی سال ۱۲۹۳ ق است. شیخ محمد حسن، پدر ایشان نیز در کربلا به دنیا آمدند و از عالمان فاضل، ادیب و مدرس در محافل درسی صحن امام حسین علیه السلام بود که اجدادشان اصالتاً همدانی تبار بودند (تهرانی، ۱۴۰۴: ۴ / ۱۳۹۵). عالمان دین و مراجع عظامی چون شیخ الشریعه فتح الله غروی اصفهانی علامه سنقری را با تعبیر: «العالم العامل... المحدث البارع، ثقة الاسلام...» (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۳۴)، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی با عبارات «علم الاعلام و مصباح الظلام، العلامة، جامع المعقول و المنقول...» (همان، ۷) و آقابزرگ تهرانی (۱۴۰۴: ۴ / ۱۳۹۵) با وصف «عالم کبیر و فاضل جلیل و مولف بارع» مورد ستایش قرار داده اند.

۲. شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه آورده است: «وَقَدْ أُخْرِجْتُ فِي كِتَابِ الزِّيَارَاتِ وَفِي كِتَابِ مَقْتَلِ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَنْوَاعاً مِنَ الزِّيَارَاتِ وَاخْتَرْتُ هَذِهِ لِهَذَا الْكِتَابِ لِأَنَّهَا أَصَحُّ الزِّيَارَاتِ عِنْدِي مِنْ طَرِيقِ الرِّوَايَةِ وَفِيهَا بَلَاغٌ وَكِفَايَةٌ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۶۸ / ۱).

۳. در کتاب خصال نیز می نویسد: «والحدیث طویل أخذنا منه موضع الحاجة وقد أخرجته بتمامه مع ما رویته

هم اکنون در دسترس ما نیست. محتوای *مقتل الحسین* تألیف شیخ صدوق را، محمد صحتی سردودی از آثار دیگر او استخراج و با عنوان «*مقتل الحسین*» به روایت شیخ صدوق (ره)، امام حسین علیه السلام و عاشورا از زبان معصومان علیهم السلام بازآفرینی و منتشر کرده است. مؤلف در مقدمه کتاب اشاره می‌کند که غالب اخبار آن از آثار موجود شیخ صدوق استخراج شده لکن موارد اندکی از روایات *مقتل صدوق* را با واسطه بزرگانی چون شیخ طوسی، شیخ مفید، حسن بن سلیمان حلّی و... از شیخ صدوق نقل کرده است. مطالب این *مقتل* عمدتاً مأثور و منقول از معصومین علیهم السلام علی الخصوص امام سجاد علیه السلام، امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام با ذکر سلسله راویان به صورت معنعن است (همان، ۲۷) و نزدیکی زمان تألیف این *مقتل* با عصرنامه معصومین علیهم السلام، آن را از درجه اعتبار بالایی برخوردار کرده است.

۳. نقد و بررسی سندی روایات کشف حجاب مخدرات در *مقتل شیخ صدوق*

علامه سنقری حائری (۱۳۸۱: ۱۴۹)، کشف صورت و موی زنان حرم امام حسین علیه السلام را در تعارض با عقل و حکمت خداوند متعال و منقول از منابع اهل سنت می‌داند و در کتاب *العاصمیه* نقل‌های شیخ صدوق را ذکر و مورد نقد قرار می‌دهد که در ادامه به بررسی سندی این روایات می‌پردازیم.

۳-۱. بررسی سندی روایت شیخ صدوق از فاطمه بنت الحسین علیه السلام

یکی از روایاتی که شیخ صدوق در موضوع کشف رأس پردگیان عصمت و طهارت در *مقتل* خود آورده، روایت فاطمه بنت الحسین علیه السلام از طریق عبدالله بن حسن است: «... عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثْنِيِّ، عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ، قَالَ دَخَلَتِ الْغَاغَةُ عَلَيْنَا الْفُسْطَاطَ وَأَنَا جَارِيَةٌ صَغِيرَةٌ وَفِي رِجْلِي خَلْخَالَانِ مِنْ ذَهَبٍ، فَجَعَلَ رَجُلٌ يَفْضُّ الْخَلْخَالَينِ مِنْ رِجْلِي... وَأَنْتَهُبُوا مَا فِي الْأَبْنِيَةِ حَتَّى كَانُوا يَنْزِعُونَ الْمَلَاحِفَ عَنْ ظُهُورِنَا»

فی فضائل العباس بن علی علیه السلام فی کتاب *مقتل الحسین بن علی* علیه السلام (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲/۵۹۸).

۱. فاطمه دختر حسین فرموده غارتگران بر خیمه ما هجوم کردند و من دختر خردسالی بودم و خلخال طلا پیام بود مردی آنها را می‌ربود... هر چه در خیمه‌های ما بود غارت کردند تا اینکه چادر از دوش ما برداشتند.

(ابن بابویه وصحتی، ۱۳۸۴: ۱۷۵). در این نقل از قول فاطمه بنت الحسین علیها السلام به تراج خیمه‌ها و برداشتن چادرها از سرزن‌ها اشاره شده است. سلسله سند این روایت را شیخ صدوق به صورت زیر آورده است: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَجَمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ [الْحَسَنِ] عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۶۴-۱۶۵).

در اعتبار سنجی راویان این نقل، مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ، امامی و ثقة جلیل (حلی، ۱۴۰۲: ۱۴۹)، عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادِيُّ، امامی و ثقة علی التحقیق (طوسی، ۱۴۲۷: ۴۳۳)، أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، امامی، ثقة جلیل (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۶)، مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الْبِرْقِيِّ، امامی و ثقة (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۶۳)، در حالی که نجاشی (۱۳۶۵: ۳۳۵) درباره او تعبیر «ضعیف فی الحدیث» را به کار برده است. درباره راوی دیگر این حدیث مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ، اختلاف نظر بین علمای رجال دیده می‌شود و او را با عباراتی چون: ضعیف (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۶۴)، کذاب (کشی، ۱۴۰۴: ۲/۸۲۳)، فی بعض روایاته غلو و تخلیط (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۰۶) توصیف کرده‌اند و برخی نیز او را ممدوح الروایه (کشی، ۱۴۰۴: ۲/۷۹۲) و امامی صحیح المذهب (همان، ۷۹۶) دانسته‌اند. حلقه‌های بعدی این روایت، أَبِي الْجَارُودِ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ که او را مذموم فی الروایه (همان، ۴۹۸)، زیدی (طوسی، ۱۴۲۰: ۴۰۶)، دانسته‌اند و عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ [الْحَسَنِ] که صرفاً در کتب رجالی به زیدی مذهب بودن او اشاره شده است (کشی، ۱۴۰۴: ۲/۶۳۲)، می‌باشند. با توجه به نقد و بررسی صورت گرفته در اعتبار راویان این روایت، دانسته می‌شود که این نقل از نظراتصال، «موقوف» است که از اقسام حدیث ضعیف محسوب می‌شود و از حیث سند، ضعیف مهمل است؛ به این دلیل که از راوی آخر آن در کتب رجالی شرح حالی به دست نمی‌آید.

۲-۳. بررسی سندی روایت شیخ صدوق از حاجب عیب‌الله بن زیاد

روایت دیگر شیخ صدوق در موضوع کشف رأس مخدرات امام حسین علیه السلام روایتی از

حاجب عبیدالله بن زیاد است که طی آن به «مکشفات الوجوه» بودن زنان حرم اباعبدالله الحسین علیه السلام هنگام ورود به شام اشاره شده است. در این روایت آمده است: «... فَلَمَّا دَخَلْنَا دِمَشْقَ أُدْخِلَ بِالنِّسَاءِ وَالسَّبَايَا بِالنَّهَارِ مُكَشَّفَاتِ الْوُجُوهِ فَقَالَ أَهْلُ الشَّامِ الْجُفَاءُ مَا رَأَيْنَا سَبَايَا أَحْسَنَ مِنْ هَؤُلَاءِ فَمَنْ أَنْتُمْ فَقَالَتْ سُكَيْنَةُ ابْنَةُ الْحُسَيْنِ نَحْنُ سَبَايَا آلِ مُحَمَّدٍ ...»^۱ (ابن بابویه وصحتی، ۱۳۸۴: ۱۹۹). سلسله سند این روایت را شیخ صدوق اینگونه آورده است «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رَجَمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْبَصْرِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَزِيدَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو نَعِيمٍ قَالَ حَدَّثَنِي حَاجِبُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ».

در اعتبارسنجی راویان حدیث مذکور، اگرچه وثاقت مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطالقانی ثابت نیست لکن او را امامی و از مشایخ صدوق دانسته اند (خویی، ۱۳۷۲: ۲۳۱/۱۵). عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِي وَمُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا بْنِ الدِّينَارِ الْغَلَابِي نيز از جانب رجاليون توثيق شده اند (نک. طوسی، ۱۴۲۷: ۴۳۵؛ نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۴۰، ۳۴۶)؛ لکن درباره أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ نوشته اند «روی مضمرة» (خویی، ۱۳۷۲: ۳۳۰/۲) که نشانه ضعف او است^۲ (موسوی عاملی، بی تا: ۲/۲۵۲) و علاوه بر آن در کتاب های رجالی از او شرحی نیامده است. راویان آخرین حدیث: أَبُو نَعِيمٍ وَحَاجِبُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ نیز ناشناخته و در کتاب های رجالی سخنی از آنها به میان نیامده است. در نتیجه با توجه به آنچه در بررسی سلسله سند این روایت بیان شد؛ اگرچه این روایت از جهت اتصال، «مُسند» می باشد لکن از حیث سند به علت ناشناخته بودن راویان آخر آن، ضعیف مهمل محسوب می شود؛ لذا علامه سنقری حائری (۱۳۸۱: ۱۹۵) درباره این نقل آورده است: «بس است از ضعف منقول، مجهول بودن منقول عنه».

۱. «... چون به شام رسیدیم روز روشن زنان و اسیران را روی باز وارد کردند و اهل شام می گفتند ما اسیرانی بدین زیبایی ندیدیم شما کیانید؟ سکینه دختر حسین فرمود ما اسیران خاندان محمدیم...».

۲. حدیث مُضَمَّرٌ حدیثی است که در آن راوی، نام معصوم علیه السلام را ذکر نکرده و روایت را با ضمیر غائب با عباراتی چون: «کتبتُ الیه» یا «سألته» نقل کرده است (مامقانی، ۱۴۱۱: ۳۳۲/۱). اساساً اضممار باعث ضعف حدیث می شود مگر این که نقل کنندگان آن از راویان جلیل القدری چون «محمد بن مسلم» و «زراره» باشند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۳۸۹).

۴. نقد و بررسی متنی روایات کشف حجاب مخدرات در مقتل شیخ صدوق

از ملاک‌های متنی نقد و بررسی روایات، ادله عقلی است؛ چه اینکه از مهمترین دلایل بر صحت بودن حدیث، توافق آن با عقل است. لذا در بررسی متنی روایات شیخ صدوق در موضوع کشف رأس بنات الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از معیارهای عقلی بهره گرفته و آنها را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.^۱

۴-۱. تعارض با غیرت الهی

علامه سنقری با اثبات مقام عصمت برای حضرت زینب کبری عَلَيْهَا السَّلَامُ و تبیین غیرت الهی، کشف حجاب حرم امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را عقلاً مغایر با عصمت حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَامُ و غیرت الهی می‌داند که در ادامه ذکر جزئیات این ادله آورده می‌شود.

۴-۱-۱. عصمت حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَامُ

بر مبنای روایات، مرتبه‌ای از عصمت برای حضرت زینب کبری عَلَيْهَا السَّلَامُ وجود دارد که علامه سنقری دلایلی را بر این امر اقامه می‌کند. یکی از ادله‌ای که بر عصمت حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَامُ دلالت دارد، آیه تطهیر^۲ است که علامه سنقری (۱۳۸۱: ۵۲-۵۴) آن را، علاوه بر اینکه بر عصمت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دلالت دارد (سید مرتضی، ۱۴۱۰: ۳ / ۱۳۴-۱۳۵)، دال بر عصمت دیگر فرزندان حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ، از جمله حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَامُ می‌داند و در این زمینه به روایتی مُسند از حَسَنُ بْنُ مُوسَى بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ الْبَغْدَادِي استشهاد می‌کند که طی آن امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده‌اند: «... إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ فَوَاللَّهِ مَا ذَاكَ إِلَّا لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَوُلْدِ بَطْنِهَا خَاصَّةً...»^۳ (ابن بابویه، ۱۳۸۷: ۲ /

۱. در بررسی و نقد روایات بر اساس عقل، از روش‌هایی چون: عدم تعارض با عقل، عدم تعارض با واقعیت‌های تاریخی، عدم تعارض متون مشترک المضمون در این زمینه با یکدیگر، عدم تعارض با اصول اعتقادی و عدم دواعی جعل حدیث، که به عنوان روش‌های نقد متن حدیث بر اساس ادله عقلی بیان شده است (فتح‌اللهی، ۱۳۹۴: ۵۰)، بهره خواهیم گرفت.

۲. «...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب / ۳۳). ...خدا چنین می‌خواهد که هر رجس و آلاشی را از شما خانواده (نبوت) ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند.

۳. «...فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ عَقَّتْ خُودَ رَا حَفِظَتْ كَرْد وَ خَدَاوَنَد آتَش رَا بَر ذَرِيَه او حَرَام نَمُود. بَه خَدَا سُوگَنَد اِيْن اَمْر جَز بَر اِي حَسَن وَ حَسِيْن وَ فَرَزَنَدَان بَلَا وَا سَطَه اَنْ حَضْرَت خَاصَّه وَ لَا غَيْر، نِيَسْت...».

۲۳۲). علاوه بر این روایت به روایتی مرسل^۱ از حذیم بن شریک الأسدی، منقول از امام زین العابدین علیه السلام استشهاد می‌کند که در آن، پس از خطبه قراء حضرت زینب علیها السلام در کوفه، خطاب به ایشان می‌فرماید: «یا عَمَّة... وَأَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٍ...» (طبرسی، ۱۴۰۳/۲: ۳۰۵). با توجه به اینکه این روایت به کشف تمام و کمال حقیقت همه امور بر حضرت زینب کبری علیها السلام، بدون نیاز به معلم و مُفَهَّم دلالت دارد (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۵۷)، شاهی بر عصمت آن حضرت می‌باشد.

دلیل دیگر عصمت زینب کبری علیها السلام این است که ابا عبدالله الحسین علیه السلام آن حضرت را، مرجع وصیت خود قرار دادند^۲ (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲/۵۰۱) و با توجه به روایت «أَنَّ أَوْصِيَاءَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُحَدَّثُونَ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۲۷۰)، که بر محدثه بودن کسی که وصی معصوم علیه السلام می‌شود، دلالت دارد و محدثه کسی است که «تُحَدِّثُهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَفِيهِمْ جِبْرَائِيلُ علیه السلام مِنْ غَيْرِ مَعَايِنَةٍ» (طریحی، ۱۳۷۵: ۲/۲۴۵)، ثابت می‌شود حضرت زینب علیها السلام محدثه^۳ است و این محدثه بودن، بر عصمت ایشان، در مراتبی پایین‌تر از مرتبه ولایت مطلقه، دلالت می‌کند (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۵۹-۶۰).

از دیگر ادله عصمت زینب کبری علیها السلام، تصرف تکوینی ایشان در جمادات است؛ کما اینکه آن حضرت قبل از شروع خطبه در کوفه با عبارت «... وَقَدْ أَشَارَتْ إِلَى النَّاسِ بِأَنَّ أَنْصَبُوا فَأَزْتَدَّتِ الْأَنْفَاسُ وَ سَكَتَتِ الْأَجْرَاسُ...» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲/۳۰۴)، دستور سکوت دادند که به تبع آن همه انفس، حبس و صدای اجراس^۴، قطع شد. دلیل دیگر

۱. اگرچه نزد علما، اصل، عدم اعتبار مراسیل است، لکن مواردی استثناء شده است که شهرت عملی یا روایی و موافقت روایت مرسل با کتاب و سنت از آن جمله است (ربانی، ۱۳۸۹: ۲۱۲، ۲۲۱). شیخ طبرسی (۱۴۰۳: ۱/۱۴) خود در مقدمه کتاب الاحتجاج، اجماع بر وجود اخبار، موافقت با عقل و شهرت اخباری که آنها را به صورت مرسل نقل کرده است، به عنوان دلیل این ارسال بیان می‌کند؛ لذا روایت منقول طبرسی به جهت شهرت روایی و موافقت با کتاب و سنت مورد پذیرش علما قرار گرفته است.

۲. «... إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام أَوْصَى إِلَى أُخْتِهِ زَيْنَبَ بِنْتِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فِي الظَّاهِرِ وَ كَانَ مَا يَخْرُجُ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ مِنْ عِلْمٍ يُنْسَبُ إِلَى زَيْنَبَ بِنْتِ عَلِيٍّ تَسْتَرَأُ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ...» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۲/۵۰۱).

۳. کسی که ملائکه و جبرائیل با او تکلم کند ولی او را نبیند.

۴. زنگ‌هایی که برگردن چهارپایان آویزان می‌کنند.

عصمت حضرت زینب علیها السلام تسلط و توانمندی ایشان در خلق کلمات جامع و احتجاجات بلیغی است که در خطبه‌هایشان به منصفه ظهور رسید که از جهات مختلف تالی تلوسخن ائمه معصومین علیهم السلام است (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۶۲)، تا جایی که حضرت زین العابدین علیه السلام ایشان را با جمله «عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُتَهَمَّةٍ...» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۳۰۵)، مورد ستایش قرار دادند.

علاوه بر موارد مذکور حفظ امام سجاد علیه السلام، شهادی دیگر بر عصمت حضرت زینب علیها السلام است؛ چه اینکه در روایتی مسند^۱ و معتبر آمده است: امام سجاد علیه السلام با عبور از قتلگاه و مشاهده ابدان پاک حضرت سیدالشهداء علیه السلام و شهدای اصحاب و بنی هاشم در شرف تسلیم جان قرار گرفتند؛ چنانکه در نقلی فرمودند «فَكَادَتْ نَفْسِي تَخْرُجُ»^۲ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۶۱). در این لحظات، زینب کبری علیها السلام با تذکار روایت ام ایمن^۳ آن

۱. ابن قولویه (۱۳۵۶: ۲۶۰-۲۶۶) این حدیث را با سلسله سندی که در ادامه می آید نقل می کند: «حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْلَوِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَيْسَى عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ هَلَالِ الطَّائِيُّ الْبَصْرِيُّ رَه قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عُثْمَانَ سَعِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَامٍ بْنُ يَسَارٍ [سَيَارٍ الْكُوفِيُّ] قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْوَاسِطِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَيْسَى بْنُ أَبِي شَيْبَةَ الْقَاضِي قَالَ حَدَّثَنِي نُوحُ بْنُ دَرَّاجٍ قَالَ حَدَّثَنِي قُدَامَةُ بْنُ زَائِدَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ...».

۲. «قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام... يَا زَائِدَةَ... فَلَأُخْبِرَنَّكَ بِخَيْرِ كَانِ عِنْدِي فِي النَّحْبِ [الْبَحْرِ] الْمَخْرُورِ - فَإِنَّهُ لَمَّا أَصَابَنَا بِالطَّلَبِ مَا أَصَابَنَا وَ قُتِلَ أَبِي عليهما السلام وَ قُتِلَ مَنْ كَانَ مَعَهُ - مِنْ وُلْدِهِ وَ إِخْوَتِهِ وَ سَائِرِ أَهْلِهِ وَ حُمِلَتْ حَرْمَةُ وَ نِسَاؤُهُ عَلَى الْأَقْتَابِ يُرَادُ بِنَا الْكُوفَةَ فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ صَرَخِي وَ لَمْ يُؤَاوُوا فَعَظُمَ ذَلِكَ فِي صَدْرِي وَ اشْتَدَّ لِمَا أَرَى مِنْهُمْ فَلَقِي فَكَادَتْ نَفْسِي تَخْرُجُ وَ تَبَيَّنَتْ ذَلِكَ مِنِّي عَمَّتِي زَيْنَبُ الْكُبْرَى بِنْتُ عَلِيٍّ عليها السلام فَقَالَتْ مَا لِي أَرَاكَ تَجُودُ بِنَفْسِكَ يَا بَقِيَّةَ جَدِي وَ أَبِي وَ إِخْوَتِي فَقُلْتُ وَ كَيْفَ لَا أُجْرِعُ وَ أَهْلَعُ وَ قَدْ أَرَى سَيِّدِي وَ إِخْوَتِي وَ عُمُومَتِي وَ وُلْدَ عَمِّي وَ أَهْلِي مُضْرَعِينَ بِدِمَائِهِمْ مُرْتَلِينَ بِالْعِرَاءِ مُسْلَبِينَ لَا يَكْفُتُونَ وَ لَا يُؤَاوُونَ وَ لَا يَعْرِجُ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ وَ لَا يُفْرِبُهُمْ بَشَرًا كَانَتْهُمْ أَهْلُ بَيْتِ مِنَ الدَّلِيلِ وَ الْخَزَرِ فَقَالَتْ لَا يُجْرِعَنَّكَ مَا تَرَى فَوَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَعَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِلَيَّ جَدِّكَ وَ أَبِيكَ وَ عَمِّكَ وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ الْمِيثَاقَ [مِيثَاقُ] أَنَاسٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا تَعْرِفُهُمْ فَرَاعَتَهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ وَ هُمْ مَعْرُوفُونَ فِي أَهْلِ السَّمَاوَاتِ أَنَّهُمْ يَجْمَعُونَ هَذِهِ الْأَعْصَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ فَيُؤَاوِنُهَا وَ هَذِهِ الْجُسُومَ الْمُضْرَجَةَ وَ يُنْصِبُونَ لِهَذَا الطَّلَبِ عِلْمًا لِقَدْرِ أَبِيكَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ لَا يَذْرُؤُ أَثْرَهُ وَ لَا يَعْفُورُ رَسْمَهُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ وَ لَيَجْتَهِدَنَّ أُمَّةُ الْكُفْرِ وَ الشُّبُهَاتِ الصَّلَاةَ فِي مَحْوِهِ وَ تَطْمِيسِهِ فَلَا يَزِدَادُ أَثْرَهُ إِلَّا طُهِرًا وَ أَمْرُهُ إِلَّا عُلُورًا...» (همان).

۳. امام سجاد علیه السلام می فرمایند: وقتی عمه ام زینب علیها السلام با اشاره به عهدی بین رسول خدا صلى الله عليه وآله و جد و پدر و عموم، من را تسلیم داد از ایشان درباره آن خبر پرسیدم: «... فَقَالَتْ نَعَمْ حَدَّثَنِي أُمُّ أَيْمَنَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله زَارَ مَنْزِلَ فَاطِمَةَ علیها السلام فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ... ثُمَّ نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ نَظْرًا عَرَفْنَا بِهِ الشُّرُورَ فِي

حضرت را تسلیت دادند.

لازم به ذکر است که تلقی عصمت پیرامون زینب کبری علیها السلام با عصمت مصطلح که صرفاً درباره چهارده معصوم علیهم السلام به کار می‌رود، تفاوت دارد و عصمت حضرت زینب علیها السلام در مراتبی پایین‌تر از مرتبه ولایت است و اگرچه پایین‌تر از عصمت چهارده معصوم، بالاترین رتبه از مقام عصمت به آن حضرت تعلق پیدا کرده است (سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۶۹). از القاب حضرت زینب علیها السلام، عصمت صغری می‌باشد (محلّاتی، ۱۳۶۸-۱۳۷۰: ۱۳۷/۳/۴۶).

۴-۱-۲. تعارض کشف رأس مخدرات با غیرت الهی

یکی از صفات انسانی، غیرت به معنای محافظت از ناموس و حفظ عزت است (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۴۰۱/۳). نسبت دادن آثار این صفت به خداوند متعال جایز دانسته شده است و بر مبنای روایات آثار غیرت در ساحت خداوند متعال در حد اعلاست. در روایتی صحیح آمده: خداوند متعال از بندگان خود غیرتمندتر است و طی آن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «... إِنَّ سَعْدًا لَغَيُورٌ، وَإِنِّي لِأَغْيَرُ مِنْ سَعْدٍ، وَاللَّهِ أَغْيَرُ مَتًّا» (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۲۰۵/۲). در حدیث صحیح دیگری که در آن داستان هجرت حضرت ابراهیم علیه السلام ذکر شده، ذیل آیه «...إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيِّهْدِينِ» (صافات / ۹۹) آمده است: پس از سرد و سلامت شدن آتش نمرود بر حضرت ابراهیم و تبعید آن حضرت به سرزمین شام، هنگامیکه «عراره» سردمدار قبطیان، دست خود را به سمت همسر حضرت ابراهیم علیه السلام،



وَجْهَهُ ثُمَّ رَمَى بِظَرْفِهِ نَحْوَ السَّمَاءِ مَلِيئًا ثُمَّ إِنَّهُ وَجَّهَ وَجْهَهُ نَحْوَ الْقِبْلَةِ وَبَسَطَ يَدَيْهِ وَدَعَا ثُمَّ خَرَّ سَاجِدًا وَهُوَ يُنْشِئُ فَأَطَالَ التُّشْوِجَ وَعَلَانِجِيْبُهُ وَجَرَتْ دُمُوعُهُ... قَالَ لَهُ عَلِيٌّ وَقَالَتْ لَهُ فَاطِمَةُ مَا يُبْكِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ... فَقَالَ... قَالَ لِي جَبْرِئِيلُ يَا مُحَمَّدُ... وَإِنْ سَبَطْتَ هَذَا وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام مَقْتُولٍ فِي عَصَابَةٍ مِنْ دُرِّيَّتِكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ وَأَخِيَارِ مَنْ أَمَّتِكَ بِضَفَّةِ الْفُرَاتِ بِأَرْضِ يُقَالُ لَهَا كَرْبَلَاءُ... تَوَلَّى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَبْضَ أَرْوَاحِهَا بِيَدِهِ وَهَبَطَ إِلَى الْأَرْضِ مَلَأْنِكَةَ مِنَ السَّمَاءِ السَّابِغَةَ... فَعَسَلُوا جُمَّتَهُمْ... وَالْبَشُوهَا الْحَلَّلُ وَحَنَطُوهَا... وَصَلَّتِ الْمَلَائِكَةُ صَفًّا صَفًّا عَلَيْهِمْ ثُمَّ تَبِعَتْ اللَّهُ قَوْمًا مِنْ أُمَّتِكَ... فَيُؤَاوُونَ أَجْسَامَهُمْ وَيُقِيمُونَ رِسْمًا لِقَبْرِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ بَيْتِكَ الْبَطْحَاءِ يَكُونُ عَلَمًا لِأَهْلِ الْحَقِّ وَسَبَبًا لِلْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْفُوزِ وَتَحْفَهُ مَلَائِكَةُ مِنْ كُلِّ سَمَاءٍ مِائَةَ أَلْفِ مَلَكٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ - وَيُصَلُّونَ عَلَيْهِ وَيُطْفِئُونَ عَلَيْهِ وَيُسَبِّحُونَ اللَّهَ عِنْدَهُ وَ يَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لِمَنْ رَأَاهُ...» (همان).

دراز کرد، بلافاصله خشک شد؛ در این هنگام حضرت ابراهیم علیه السلام فرمودند: «... إِنَّ إِلَهِي غَيْرُ يَكْرَهُ الْحَرَامَ وَهُوَ الَّذِي حَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَا أَرَدْتَ مِنَ الْحَرَامِ...» (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۷۰-۳۷۳) و به غیرت الهی در حفظ ناموس خود اشاره کردند.

در نتیجه با توجه به دلایلی که در عصمت حضرت زینب کبری علیها السلام و روایاتی که در غیرت الهی در حفظ نوامیس الهی ذکر شد علامه سنقری حائری (۱۳۸۱: ۷۰-۷۳)، تمکین نگاه اجانب را، توسط ذات غیور الهی، بر حرم اهل بیتی که به آنها مقام عصمت داده است، ناروا و عادتاً محال می‌داند.

۲-۴. تعارض کشف رأس مخدرات با حکمت الهی

وجود شروبدی، به جهت مادی بودن، لازمه این دنیا است و به گفته ابن سینا (۱۴۰۴: ۶۲): «آفات و شروری که عارض اشیای طبیعی می‌شود، ضروری عالم ماده و طبیعی است... عالم ماده نمی‌تواند خیر محض را بپذیرد»^۱ و همچنین به علت طبیعی بودن، محل تزاخم و تضاد است (نک. محمد رضایی، ۱۳۸۴: ۳۰). به همین جهت، اینکه امکان انجام کارهایی که منتهی به ظلم می‌شود برای ظالم وجود دارد؛ از روی غرض عقلی و فایده و حکمتی است که موافق با عدل الهی است چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»^۲ (روم/ ۴۱). با توجه به این مقدمه، شهادت ابا عبد الله الحسین علیه السلام، تراج خیمه‌ها و به اسارت رفتن اهل بیت امام حسین علیه السلام، اگرچه از هر مصیبتی بزرگ‌تر و عظیم‌تر است، لکن برای آن فایده‌هایی بی‌حد و حصر متصور بوده است که در حقیقت حفظ دین مبین اسلام و شریعت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و اتمام حجت بر امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از جمله آنها است؛ ولی علامه سنقری (۱۳۸۱: ۷۳-۷۶) معتقد است به هیچ وجه بر

۱. «الأول تام القدرة والحكمة والعلم، كامل في جميع أفعاله لا يدخل أفعاله خلل البتة ولا يلحقه عجز ولا نقص... وهذه الآفات والعاهات التي تدخل على الأشياء الطبيعية، إنما هي تابعة للضرورات ولعجز المادة عن قبول النظام التام» (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۶۲).

۲. «فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید به (سوی حق) بازگردند».

گشادگی رو و کشف رأس اهل حرم آل الله علیهم السلام، حکمت، فایده و غرضی مترتب نیست و تمکین اینگونه آزارها، عبث و بیهوده است و برآن هیچ مصلحت پنهان و آشکاری شمول ندارد. وی می‌نویسد: «... اگر متمکن سازد حق تعالی، ظالم را، از این مقدار جسارت مخصوص، و دفع ننماید؛ یا لازم آید عجز؛ یا صدور قبیح یا عبث و لغو؛ و همه اینها بر حکیم و واجب تعالی، روا نباشد...» و مواجهه امام زین العابدین علیه السلام با کشف رأس مخدرات و در عین حال تأیید آن محال است چرا که شریعت الهی، چنین قبیحی ذاتی را بر نمی‌تابد (همان، ۷۹).

۵. بررسی فقه الحدیثی روایات مقتل شیخ صدوق با بهره‌گیری از شناخت واژگان و علم بیان

در بررسی فقه الحدیثی روایات دال بر کشف رأس مخدرات در مقتل شیخ صدوق، علامه سنقری از مشکل الحدیث، که از فروع فقه الحدیث است (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۰: ۶۳)، بهره‌جسته که در این قسمت از بحث با استفاده از دو مبنای علوم عربیت و شناخت واژگان در فقه الحدیث، به بحث و بررسی روایات مقتل شیخ صدوق در موضوع مورد بحث، می‌پردازیم.

۵-۱. شناخت واژگان متون روایات

در یکی از روایت‌های منقول در مقتل شیخ صدوق آمده است که فاطمه بنت حسین علیها السلام می‌فرماید: «... وَأَنْتَهُبُوا مَا فِي الْأَبْنِيَّةِ حَتَّى كَانُوا يَنْزِعُونَ الْمَلْحَفَ عَنْ ظُهُورِنَا» (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۱۶۴-۱۶۵) که به غارت «ملحف» از شانه زنان حرم امام حسین علیه السلام اشاره دارد. ملحف جمع المَلْحَفَة به معنای «اللباس الذي فوق سائر اللباس» (ابن منظور: ۱۴۱۴: ۹/۳۱۳) است. در روایتی آمده: «عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ أَدْنَى مَا تُصَلِّي فِيهِ الْمَرْأَةُ، قَالَ دِرْعٌ وَمَلْحَفَةٌ فَتَنْشُرُهَا عَلَى رَأْسِهَا وَتَجَلَّلُ بِهَا» (عاملی، ۱۴۰۹: ۱/۱۳). در نتیجه با نظریه قرینه «... ظُهُورِنَا...» در متن حدیث، ملحفه، پوششی است که زنان مانند چادر، روی حجاب‌های دیگر خود قرار می‌دهند و با غارت آن حجاب‌های دیگر اهل حرم امام حسین علیه السلام همچنان باقی بوده است. تطبیق این روایت با تفسیر آیه: «یا

أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ...» (احزاب / ۵۹) و دقت در معنای «جلایب» در آیه، در می یابیم استفاده از حجاب های متعدد نزد زنان آن زمان معمول بوده است. چنانچه «جلایب» جمع «جلباب» و به معنای «ثوب أوسع من الخمار دون الرداء، تغطي به المرأة رأسها و صدرها» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۶/ ۱۳۲) است و در تفسیر آیه آمده: «... و معنى التبعض فى "من جلابيبهن" أن يكون للمرأة جلابيب فتقتصر على واحد منها...» (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵/ ۴۷۶) که «من» در آیه برای «تبعض» و نشانه حجاب زنان آن زمان با تعدد «جلباب» است (نک. سنقری حائری، ۱۳۸۱: ۱۷۲-۱۷۳).

۵-۲. معنای کنایی و مجازی مکشفات الوجوه

استفاده از تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز در ادبیات عرب معمول و از لوازم فصاحت و بلاغت در این زبان است. بر همین اساس باید در فهم روایات مربوط به کشف رأس به معنای مجازی و کنایی برخی عبارات و ترکیبات آنها توجه داشت. در فهم تعبیر «مُكشَفَاتِ الْوُجُوهِ» در روایت حاجب عیدالله بن زیاد: «... فَلَمَّا دَخَلْنَا دِمَشْقَ أُدْخِلَ بِالتِّسَاءِ وَ السَّبَايَا بِالتَّهَارِ مُكشَفَاتِ الْوُجُوهِ فَقَالَ أَهْلُ الشَّامِ الْجُفَاءُ مَا رَأَيْنَا سَبَايَا أَحْسَنَ مِنْ هَؤُلَاءِ فَمَنْ أَنْتُمْ فَقَالَتْ سُكَيْنَةُ ابْنَةُ الْحُسَيْنِ نَحْنُ سَبَايَا آلِ مُحَمَّدٍ ...»^۲ (ابن بابویه و صحتی، ۱۳۸۴: ۱۹۹) بایستی توجه داشت که آن کنایه ای از آوردن حرم امام حسین علیه السلام در ازدحام نامحرمان است و معلوم می شود که حاضر شدن دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله در ازدحام نامحرمان از «گشاده بودن رو»، بدتر است. علاوه بر این کشف وجه، لفظی مطلق است که به اعتبار متعلقاتش از جمله برداشتن مقنعه، قناع، خمار، جلباب، ملحفه، معجر و... مختلف می باشد که همه اینها ابزار پوشاندن و تستراست و با این تعبیر، مجازاً منظور این بوده است که بخشی از لوازم حجاب مورد پسند اهل بیت علیهم السلام و شایسته

۱. جامه ای گشادتر از مقنعه، غیر از عبا که زن سرو سینه خود را در آن می پوشاند.

۲. «... جمعی که با آن سر رفته بودند گفتند: چون به شام رسیدیم روز روشن زنان و اسیران را روی باز وارد کردند و اهل شام می گفتند ما اسیرانی بدین زیبایی ندیدیم شما کیانید؟ سکینه دختر حسین علیه السلام فرمود ما اسیران خاندان محمدیم...»

جلالت ایشان، به غارت رفته است و همین امر موجب ناراحتی و اندوه بسیار زیاد آنها گردیده است.

نتیجه

نقل‌هایی که درباره کشف حجاب بنات رسول الله در مقتل شیخ صدوق آمده است، غالباً از نظر سندی ضعیف هستند. کما اینکه روایت شیخ صدوق از فاطمه بنت الحسین علیها السلام: «... دَخَلَتِ الْغَانِمَةُ عَلَيْنَا... وَانْتَهَبُوا مَا فِي الْأَيْنِيَةِ حَتَّى كَانُوا يَنْزِعُونَ الْمَلْحَفَ عَنْ ظُهُورِنَا» از حیث اتصال، «موقوف» و از حیث سند، ضعیف مهمل است. روایت دیگر شیخ صدوق از حاجب عبید الله بن زیاد: «... فَلَمَّا دَخَلْنَا دِمَشْقَ أُذْخِلَ بِالنِّسَاءِ وَالسَّبَايَا بِالنَّهَارِ مُكَشَّفَاتِ الْوُجُوهِ...» نیز اگرچه از نظر اتصال، مُسند است ولی از حیث سند، به خاطر مجهول بودن دو راوی آخر آن، ضعیف مهمل می‌باشد. بر پایه ادله عقلی، بر خداوند متعال که غیورترین وجود در عالم است؛ تمکین نگاه اجانب بر حرمی که، آنها را از هرگونه رجس و پلیدی پاک کرده و آنها را مقام عصمت داده است، در حالی که رأس و وجهشان حجابی ندارد، روا نیست. شهادت امام حسین علیه السلام، سوختن و غارت خیمه‌ها و اسارت آل الله علیهم السلام، اگرچه از اعظم مصائب است، لکن بر آن فایده‌های زیادی مترتب بوده است، ولی به هیچ وجه بر بیشتر از آن، یعنی گشادگی رو و کشف موی مخدرات، حکمت، فایده و غرضی متصور نیست و تمکین اینگونه آزارها، لغو و بیهوده می‌باشد و بر آن هیچ مصلحت پنهان و آشکاری وجود ندارد. با بررسی معنای عبارت «ملاحف» در روایت شیخ صدوق از فاطمه بنت الحسین علیها السلام در کتب لغت دانسته می‌شود، این عبارت، جمع «المَلْحَفَةِ» و پوششی است که زنان مانند چادر، روی حجاب‌های دیگر خود قرار می‌دهند و با غارت آن، حجاب‌های دیگر اهل حرم امام حسین علیه السلام همچنان باقی بوده است. چنانکه با توجه به آیات قرآن، استفاده از حجاب‌های متعدد نزد زنان آن زمان معمول بوده است. با در نظر گرفتن معنای مجازی و کنایی برخی عبارات و ترکیبات موجود در روایات کشف رأس، معلوم می‌گردد که تعبیری چون: «مُكَشَّفَاتِ الْوُجُوهِ»، در مقتل شیخ صدوق، کنایه‌ای از آوردن حرم امام حسین علیه السلام



در جمع نامحرمان است و کشف وجه، لفظی مطلق است که به اعتبار متعلقاتش از جمله برداشتن مقنعه، قناع، خمار، جلباب، ملحفه، معجرو مانند اینها مختلف می باشد و با این تعبیر، مجازاً منظور این بوده است که بخشی از لوازم حجاب مورد پسند اهل بیت علیهم السلام و شایسته جلالت ایشان، به غارت رفته است.



منابع

- ابن اثير، على بن محمد (١٤٠٩ق)، *أسد الغابة في معرفة الصحابة*، بيروت، دارالفكر.
- ابن اثير، مبارك بن محمد (١٣٦٧ش)، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین (١٤٠٠ق)، *أمالی الصدوق*، بيروت، انتشارات أعلمی.
- _____ (١٣٦٢ش) *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
- _____ (١٣٨٧ق)، *عیون أخبار الرضا عليه السلام*، تهران، نشر جهان.
- _____ (١٣٩٥ق)، *كمال الدین وتمام النعمة*، تهران، انتشارات اسلامیة.
- _____ و محمد صحتی سردودی (١٣٨٤ش)، *مقتل الحسین عليه السلام به روایت شیخ صدوق*، تهران، انتشارات هستی نما.
- _____ (١٤٠٤ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (١٤٠٤ق)، *التعلیقات*، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (١٣٧٩ق)، *مناقب آل ابیطالب*، قم، انتشارات علامه.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (١٣٥٦ق)، *کامل الزیارات*، نجف، انتشارات مرتضوی.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر (١٤١٩ق)، *المزار الكبير*، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية، مؤسسة النشر الإسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (١٤١٤ق)، *لسان العرب*، بيروت، دار صادر.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم (١٤٠٩ق)، *کفاية الاصول*، قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.
- تهرانی، آقا بزگ (١٤٠٤ق)، *طبقات أعلام الشيعة وهونقباء البشر فی القرن الرابع عشر*، تهران، دار المرتضی للنشر.



- حاكم نيشابوري، محمد بن عبد الله (١٤٠٠ق)، معرفة علوم الحديث، بيروت، دار الآفاق الحديث.
- حلي، حسن بن يوسف (١٤٠٢ق)، رجال العلامة الحلي، قم، انتشارات الشريف الرضي.
- خوارزمي، موفق بن احمد (١٣٨١ق)، مقتل الحسين عليه السلام، قم، انتشارات انوار الهدى.
- خويي، سيد ابوالقاسم (١٣٧٢ش)، معجم رجال الحديث وتفصيل طبقات الرواة، بي جا، بي نا.
- رباني، محمد حسن (١٣٨٩ش)، بررسي اعتبار حديث مرسل، قم، بوستان كتاب.
- سنقرى حائرى، محمد على (١٣٨١ش)، چهره گشايى دختران امام حسين عليه السلام، قم، انتشارات چاف.
- سيد مرتضى، على بن حسين (١٤١٥ق)، الشافى فى الامامة، تهران، مؤسسة الصادق عليه السلام.
- طبرسى، احمد بن على (١٤٠٣ق)، الإحتجاج على أهل اللجاج، مشهد، انتشارات مرتضى.
- طريحي، فخرالدين محمد (١٣٧٥ش)، مجمع البحرين، تهران، انتشارات مرتضى.
- طوسى، محمد بن حسن (١٤٢٧ق)، رجال الطوسى، قم، جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية. مؤسسة النشر الإسلامى.
- _____ (١٤٢٥ق)، فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول، قم، مكتبة المحقق الطباطبائى.
- _____ (١٤١١ق)، مصباح المتعجد، بيروت، مؤسسه فقه شيعه.
- عاملى، شيخ حر (١٤٥٩)، وسائل الشيعة، قم، مؤسسه آل البيت.
- فتح الله، ابراهيم (١٣٩٤ش)، «روش شناسى نقد حديث (نقد متن محور براساس ادله عقلى)»، دو فصلنامه مطالعات روش شناسى دينى، سال دوم، شماره اول.
- فراهيدى، خليل بن احمد (١٤٥٩ق)، كتاب العين، قم، نشر هجرت.
- كشى، محمد بن عمر (١٤٥٤ق)، إختيار معرفة الرجال، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
- _____ (١٣٤٨ش)، رجال الكشى، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیة.
- مامقانی، عبدالله (۱۴۱۱ق)، مقباس الهدایة فی علم الدراییة، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- محلاتی، ذبیح الله (۱۳۶۸-۱۳۷۰ش)، ریاحین الشریعة در ترجمه بانوان دانشمند شیعه، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- محمد رضایی، محمد (۱۳۸۴ش)، «مسئله شروراه حل های آن»، فصلنامه پژوهشهای دینی (نام کنونی: پژوهش های فقهی)، سال اول، شماره سوم.
- موسوی عاملی، محمد بن علی (بی تا)، مدارک الاحکام، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- نجاشی، أبی العباس أحمد بن علی (۱۳۶۵ش)، رجال النجاشی، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة. مؤسسه النشر الإسلامی.
- نیشابوری، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق)، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، بیروت، دارالکتب العلمیة.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

